

## اندیشه تحول در خط جهان اسلام (ایران، قفقاز و عثمانی در قرن نوزدهم) غلامعلی پاشا زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

در پی رویارویی سرزمین‌های اسلامی با تمدن جدید غرب و شکست‌های مختلف نظامی در طول قرن هیجده و نوزده میلادی، به تدریج، پرسش از چرایی این شکست‌ها در ذهن و اندیشه بسیاری از متفکران مسلمان شکل گرفت. پرسش از شکست‌ها دو جنبه کاملاً باز را داشت: یک جنبه از آن، به عقب ماندگی و انحطاط جامعه مسلمانان، و جنبه دیگر، به پیشرفت غرب، مربوط می‌شد. این پرسش‌ها، پاسخ‌های متفاوت و گاه متناقضی را در پی داشت که یکی از آنها ناظر به مسأله خطِ جهان اسلام بود. در این زمان، اندیشمندان مختلف، به تفکر و تأمل در مورد خط مسلمانان پرداختند و کاستی‌ها و مشکلات آن را عاملی برای عقب ماندگی و عدم ترقی جهان اسلام قلمداد نمودند؛ و در نتیجه، خواهان ایجاد تحول در خط جهان اسلام، از طریق تغییر و اصلاح الفبا شدند. نحوه رویکرد این اندیشمندان به خط جهان اسلام، مساله‌ای است که مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از آثار و منابع تاریخی آن را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش، ضمن بررسی تطبیقی آراء این اندیشمندان، در مورد ضرورت اصلاح یا تغییر خط جهان اسلام، به این سوال پاسخ داده خواهد شد که طرفداران تحول خطِ دنیای اسلام، تا چه میزان در تشخیص ارتباط میان خط و عقب ماندگی و ترقی مسلمانان، موفق بوده‌اند.

### کلید واژگان

اصلاح الفبا، تغییر خط، جهان اسلام، ترقی، عقب ماندگی

۱. استادیار دانشگاه تبریز، گروه تاریخ، تبریز، ایران. gh\_pashazadeh@yahoo.com

## مقدمه

در قرن نوزدهم، شماری از اندیشمندان در قفقاز، ایران و عثمانی به تفکر و تأمل در مورد خط جهان اسلام پرداختند و با بر شمردن ایرادهایی فنی برای الفبای عربی، در نهایت، به این نتیجه رسیدند که این ایرادها، امر آموزش و پرورش را دچار مشکل نموده، و موجبات عقب ماندگی جهان اسلام - در مقابل دنیای غرب - را فراهم ساخته است. به باور آنها، مسلمانان برای ترقی، باید تحولاتی را در الفبای معیوب خود ایجاد کنند. نخستین بار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، از قفقاز، ضرورت این امر را یادآور شد و بعد از آن، اندیشمندان مختلفی در ایران، قفقاز و عثمانی، این بحث را ادامه دادند. اندیشمندان یادشده، کاستی‌های فنی زیادی را برای الفبای مسلمانان بر شمردند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که می‌توان با رفع آنها، امر آموزش را تسهیل نمود و به دنبال آن، راه ترقی را بر جهان اسلام گشود.

نحوه رویکرد اندیشمندان جهان اسلام به مساله اصلاح یا تغییر خط، و میزان درستی ادعای آنها در مورد پیوند میان خط و ترقی، مساله مقاله حاضر است که با استفاده از آثار اندیشمندان خواهان تحول در خط مسلمانان، و منابع تاریخی آن عصر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌ها، بیشتر از آثار خود اندیشمندان استخراج شده و در محورهایی کلی، برای بررسی دلایل و مستندات اندیشمندان و میزان مطابقت آنها با واقعیت‌های تاریخی و علمی، مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند.

در مورد پیشینه تحقیق، باید گفت که مساله اصلاح خط از منظرهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. توجه اندیشمندان به اصلاح خط، و نقطه نظرات کلی آنها، در آثار مختلفی در زبان فارسی بازتاب یافته است. از جمله این آثار، می‌توان به کتاب در پیرامون تغییر خط فارسی از یحیی ذکا و ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم از رحیم رئیس‌نیا اشاره کرد. یحیی ذکا، به معرفی اندیشه هر کدام از اندیشمندان اصلاح خط در ایران پرداخته، و رئیس‌نیا، روند تاریخی آن را در ایران، قفقاز و عثمانی پی‌گیری کرده است. همچنین، فریدون آدمیت، در کتاب‌های اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، اندیشه‌های طالبوف تبریزی و فرشته نورائی، حامد الگار و حجت الله اصیل نیز هر کدام





در آثار مربوط به ملکم، اندیشه او در اصلاح خط را مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «رابطه جنبش اصلاح خط با زمینه‌های فکری مشروطیت در ایران» از عطاء‌الله حسنه، با نگاهی به محورهای کلی نظرات اندیشمندان اصلاح خط، رابطه اصلاح خط را با ترقی خواهی و مشروطیت در ایران، مورد کاوش قرار داده است. در ترکیه نیز، محققانی مانند: «تائسل» و «چلیک»، در مقاله‌ها و کتاب‌هایی، مساله تحول در خط مسلمانان و اندیشه متفکران هودار آن در عثمانی را بررسی کرده‌اند که در متن مقاله حاضر، از آنها استفاده می‌شود.

با این که جزئیات اندیشه هوداران تحول در خط جهان اسلام، در پژوهش‌های یاد شده، بازتاب یافته‌اند، ولی همه آنها از حیث عدم دسترسی کامل به منابع سه حوزه یاد شده، از کاستی‌هایی برخوردارند. مقاله حاضر، با دسترسی به منابع سه حوزه، و اطلاعات جدید، رویکرد اندیشمندان به مساله تحول در خط جهان اسلام را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد و با رویکردی جدید، مساله ارتباط خط با ترقی، از منظر اندیشمندان مذکور، را با تکیه بر مستندات تاریخی و علمی بررسی می‌نماید.

### روند تاریخی جنبش اصلاح خط در قرن نوزدهم

نخستین بار، میرزا فتحعلی آخوند زاده (۱۸۷۸-۱۸۱۲ م/ ۱۲۹۵-۱۲۲۸ق)، موضوع اصلاح الفبای جهان اسلام را در قرن نوزدهم طرح کرد، و برای این منظور، الفبایی را در سال ۱۸۵۷ / ۱۲۷۴ق، ابداع نمود. او در وهله نخست، الفبای ابداعی خود را از طریق میرزا حسین خان (سپهسالار بعدی)، کنسول ایران در تفلیس، به میرزا سعید خان موتمن الملک انصاری - وزیر خارجه وقت ایران - ارائه کرد. سپس، با تعدادی از مقامات ایران مکاتبه نمود (آدمیت، ۱۳۴۹: ۸۰ و ۸۳) اما در ایران، به تقاضای او مبنی بر اصلاح خط، و نیز الفبای ابداعی‌اش اعتنایی نشد.

میرزا حسین خان، پس از آن که در سال ۱۸۵۸-۱۲۷۵ م/ ۱۸۵۹ به سمت سفارت عثمانی منصوب شد، تلاش کرد الفبای میرزا فتحعلی را در عثمانی مطرح نماید و از او خواست که برای طرح اندیشه خود به استانبول بیاید (آخوند زاده، ۱۳۵۷: ۱۰۸). در این میان، منیف پاشا - یکی از دولتمردان عثمانی - در ۱۲ مه ۱۸۶۲ / ۱۳ ذی قعده ۱۲۷۸، طی یک سخنرانی در «جمعیت علمیه عثمانیه»، ضرورت اصلاح خط را گوشزد کرد

(مجموعه فنون، نومرو ۱۴، ۱۲۸۰: ۷۷-۷۴)<sup>۱</sup> و زمینه برای طرح اصلاح الفبا در عثمانی مساعد شد. عاقبت، با اصرار میرزا حسین خان، آخوندزاده در سال ۱۸۶۳/۱۲۸۰ ق به استانبول رفت و الفبای خود را به فؤاد پاشا - صدر اعظم عثمانی - ارائه نمود. فواد پاشا، الفبای میرزا فتحعلی را برای بررسی به «جمعیت علمیه عثمانیه» فرستاد که منیف پاشا در صدر آن قرار داشت. منیف پاشا به خاطر اعتقاد به اصلاح خط، از الفبایی ابداعی آخوندزاده استقبال نمود و آن را برای بررسی بیشتر در جمعیت علمیه عثمانی مطرح کرد (همان جا) و بحث اصلاح الفبا مورد توجه روشنفکران ترک قرار گرفت.<sup>۲</sup> شخص آخوند زاده نیز، به دعوت انجمن، در سال ۱۲۸۰ ق برای دفاع از الفبایش به عثمانی رفت، ولی الفبای او در "جمعیت علمیه عثمانیه" به علت دشواری هایش برای عمل چاپ، مجوز اجرا کسب نکرد (همان: ۷۴-۷۰) و رد شد.

به دنبال حضور آخوندزاده در عثمانی، عده‌ای از اندیشمندان ایران از جمله: میرزا یوسف خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان نظامالدوله، موضوع اصلاح خط را مورد توجه قرار دادند. در سال ۱۸۶۶/۱۲۸۳ ق علی سعاوی<sup>۳</sup> در روزنامه مخبر، چاپ لندن، مطالبی در این زمینه به چاپ رساند، و سپس این بحث، با مشارکت ملکم، نامق کمال،<sup>۴</sup> خیرالدین ییگ و دیگران، در روزنامه‌های: جریده حوادث، ترقی و حریت تداوم یافت. در طول قرن نوزدهم، افراد صاحب نام دیگری مانند: شارل میسمر فرانسوی - مشاور فؤاد پاشا، آخوند ملا احمد حسین زاده، شیخ‌الاسلام قفقاز، میرزا رضا خان ارفع

۱. همین مسئله موجب شده است عده‌ای از محققان در ترکیه و جاهای دیگر ابداع الفبای جدید توسط آخوندزاده را مربوط به سال ارائه آن در جمعیت علمیه عثمانیه قلمداد نمایند و اولین شخص طرح کننده اصلاح الفبا را منیف پاشا معرفی کنند. برای نمونه نگاه کنید به: (Tansel, ۱۹۵۲: ۲۲۳-۲۴۹؛ ۲۰۰۴: ۱۰۵) و نیز: (الگار، ۱۳۶۹: ۸۷)

۲. برخی ابتکار طرح اصلاح خط در عثمانی قرن نوزدهم را به میرزا ملکم خان نظامالدوله نسبت داده‌اند. نگاه کنید به: (ناطق، ۱۳۶۷: ۸۲)

۳. علی سعاوی (۱۸۳۹-۱۸۷۸) در این زمان به خاطر فعالیت‌های سیاسی از عثمانی به اروپا فرار کرد و در آنجا روزنامه‌های مخبر و علوم را منتشر نمود. برای اطلاع بیشتر از زندگی او مراجعه کنید به: (Celik, ۱۹۹۴)

۴. نامق کمال (۱۸۸۸-۱۸۴۰) شاعر و اندیشمند عثمانی قرن نوزدهم از مخالفان اصلاح خط بود. برای اطلاع از زندگی او مراجعه شود به: (Islam Ansiklopedisi, ۲۰۰۵, cilt ۱۸) مدخل نامق کمال و برای اطلاع از اندیشه او در مورد اصلاح خط مراجعه شود به: (کمال، ۱۳۱۱).

الدوله،<sup>۱</sup> طالب اوف، محمد حسين انصاري، ميرزا رضا خان افشار بکشلو غزويني، ميرزا محمد على خان اويسى، محمد آقا تختلى (شاه تختنسکى)، م افشار، م شوشترى، ميرزا نجف قلى خان، ميرزا حسين خان، ميرزا كاظم خان الان براغوشى، اديب الممالك فراهانى، ادولف برژه و نيز افراد دیگرى بدون ذكر نام، در روزنامه‌های اختر و ترقى، اين مساله را مورد توجه قرار دادند و مطالبي را در اين زمينه به چاپ رساندند.

### کاستي هاي الفبای جهان اسلام

انديشمندان هودار اصلاح خط، برای الفبای جهان اسلام يا همان الفبای عربي، کاستي هايي را مطرح مي کردند که عمدت ترين آنها عبارت بود از: اتصال حروف، جدائى اعراب از کلمات، تميز حروف از راه نقطه‌ها، يكساني شکل‌های حروف و نبود برخى از حروف صامت و مصوت (آخوند زاده، ۱۳۵۷: ۵-۶؛ نظام الدوله، بي‌تا: ۱۲۳ به بعد؛ مجموعه فنون، ۱۲۸۰، نومرو: ۷۴-۷۶؛ حسين زاده، ۱۲۹۷: ۴-۳؛ مستشار الدوله، ۱۳۰۳: ۵-۴؛ ترقى، ۱۶ جمادى الاولى ۱۲۸۶، نومرو: ۲؛ انصاري، ۱۲۹۸: ۱۳۷-۱۳۸؛ اويسى، ۱۳۳۱: ۵؛ اختر، ۱۲۹۸: ۶۷؛ غزويني، ۱۲۹۹: ۱۳-۱۲؛ انصاري، ۱۳۰۸: ۵-۴)

از نظر اين انديشمندان، اتصال حروف، موجب مى شد که حروف صدادار از کلمات جدا باشند و هر کدام از حروف، در اول، وسط و آخر کلمات، شکل جداگانه‌اي پيدا کنند و کار آموزش و چاپ كتاب را با دشوارى و کندى همراه سازند. ملکم، يكى از انديشمندان بود که اتصال حروف را «سرچشمme جمیع معايب» در خط دنياي اسلام مى دانست (نظام الدوله، ۱۳۰۲: ۹-۱۰؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۰۶). به اعتقاد طرفداران اصلاح خط، جدائى اعراب از واژه‌ها، موجب مى شد کلمات به شکل‌های گوناگون تلفظ شوند. تنوع آشكال حروف و تميز آنها از راه نقطه، کار يادگيري را برای نو آموزان سخت تر مى کرد، و کار چاپ كتاب را با دشوارى و کندى همراه مى ساخت. افزون بر اين،

۱. در سال ۱۲۷۰ق در تبريز به دنيا آمد و بيشتر عمر خود را در وزارت امور خارجه و مامريت در کشورهای ديگر سپری نمود. در سال ۱۲۹۷ق رساله اى در اصلاح الفبای فارسى و تركى و عربي در تفلیس تالیف و در استانبول منتشر گرد. اين كتاب به دست نیامد و مطالب مربوط به آن را از رساله ميرزا یوسف خان مستشار الدوله نقل كردیم. برای اطلاع بيشتر از زندگى او مراجعه کنید به: معین الوزاره، ۱۳۰۹: ص ۸۹-۹۲

### بایستگی اصلاح خط

اندیشمندان معتقد به تحول خط، مشکلات خط جهان اسلام و دشواری‌های آن برای ترویج علوم را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانستند و برای نیل به ترقی، تغییر یا اصلاح خط را لازم می‌شمردند (طالب اوف، بی‌تا: ۵۰؛ ترقی، نومرو ۱۹۲، ۲۱؛ ربيع الآخر، ۱۲۸۶: ۳؛ حسین زاده، ۱۲۹۷: ۵-۴؛ مخبر، نومرو ۴۷، ۳۱ آگوست، ۱۸۶۸؛ نظام‌الدوله، ۱۳۰۲: ۲-۳؛ اختر، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۰؛ همان، سال ۷، شماره ۶، ۱۲۹۸: ۵؛ انصاری، ۲). از نظر میرزا محمد علی‌خان اویسی از اندیشمندان تحول خط، عامل «توقف ملل شرقیه و عقب افتادن آنها از اهالی غرب» مساله الفبا بود (اختر، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۰). طبق آراء میرزا محمودخان «جنزال کنسول» ایران در تفلیس، با اصلاح الفبا، راه تحصیل علم آسان‌تر می‌شد (اختر، سال ۷، شماره ۶، ۱۲۹۸: ۵). طالب اوف، الفبای عربی را «سبب عدمه و علت اصلی جهالت ملت اسلام» معرفی می‌کرد (طالب اوف، بی‌تا: ۵۰) و خیرالدین بیگ، از حامیان اصلاح خط، ترقی را بدون اصلاح الفبا مشکل می‌دانست (ترقی، نومرو: ۱۲۸۶/۳: ۱۹۲). سعاوی، شیخ‌الاسلام قفقاز، و غزوی‌نی تصور می‌کردند ملت‌های اسلامی به دلیل دشواری و صعوبت خط خود از تحصیل علوم عاجز مانده‌اند و ملت‌های اروپایی به دلیل سهولت الفبایشان،

هواداران اصلاح خط، ایرادهای زیاد دیگری هم برای خط جهان اسلام بر می‌شمردند که از جمله آنها می‌توان به عدم امکان تلفظ صحیح اسمای اشخاص، شهرها و اختراعات و اکتشافات حاصل از علوم جدید (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۳: ۱۴؛ ترقی، ۱۲۷؛ جمادی الاولی، ۱۲۸۶: ۲)، نبودن بعضی از صدایها مانند ۋ فرانسە، خوانده نشدن بعضی از حروف مانند (و) در کلمه خواجه، وجود الـ زاید همراه (ى) در اول کلمات مانند: این (ناظم‌الدوله، بی‌تا: ۱۲۳ به بعد)، وجود چندین شکل برای یک حرف مثل ز، ض، ظ و ذ (۳۴۰: ۲۰۰۵؛ Ökinçi)، عدم کار آیی آن برای استفاده از تلگراف (ترقی، همان: ۳) اشاره کرد. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، کاستی‌های خط جهان اسلام را در سی مورد برمی‌شمرد (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۱۱) و مستشار‌الدوله، آن کاستی‌ها را به دنیای اعداد هم تسری می‌داد و قابلیت تغییر اعداد به یکدیگر (مانند ۱ به ۲ و ۳ و ...) و استفاده از یک " نقطه نامرئی " به جای صفر را از معایب " اشکال هندسه " می‌دانست (اختر، سال ۵، شماره ۲۳، ۲۳ رمضان، ۱۲۹۶: ۲۸۹).



بیشتر علوم را به راحتی فرا گرفته‌اند (حسین زاده، ۱۳۹۷: ۴-۵؛ مخبر، نومرو، ۱۳۹۹: ۴۷/۱؛ غزوینی، ۱۳۹۹: ۱۲۶۸).

ملکم از دیگر اندیشمندان خواهان اصلاح خط، وانمود می‌کرد که عیوب‌های زیاده از حد «خطوط ملل اسلام» با وجود ذات ترقی خواهانه دین اسلام، موجب شده است که ملل اسلامی چه در گذشته و چه در حال، نتوانند به اندازه فرنگستان ترقی نمایند. (نظام‌الدوله، ۱۳۰۲: ۲-۳). او و دیگر اندیشمندان اصلاح خط، بر این باور بودند که با اصلاح یا تغییر خط، زمینه برای باسوسایی و در نتیجه، ترقی فراهم خواهد شد، و به تعبیر انصاری، مسلمانان «همین که خوانا شدند، دانا می‌شوند و پس از دانایی البته توana می‌گردند» (آخر، سال ۱۲، شماره ۲۷، ۱۳۰۳: ۲۱۴ - ۲۱۳).

برخی از هواداران اصلاح خط، کاستی‌های الفبای جهان اسلام را عامل مشکلات سیاسی و اقتصادی هم قلمداد می‌کردند. از باب نمونه، مستشار الدوله وانمود می‌کرد که روس‌ها از نقص‌های الفبای فارسی در مسایل مرزی سوء استفاده کرده‌اند و در عهده‌نامه گلستان «کپنک چای» از نقاط سرحدی را «کپنک چای» خوانده، و از نقاط سرحدی تجاوز کرده‌اند (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۳: ۳۰ - ۲۶). ملکم، همفکر او در این زمینه، اعتقاد داشت که اقلیت‌های قلمرو عثمانی، به خاطر دشواری الفبا، زبان ترکی را یاد نگرفته‌اند و در نتیجه وحدت ملی در این سرزمین به وجود نیامده است. از نظر ملکم برای وحدت ملی، وجود اتحاد مذهبی یا اتحاد زبانی ضرورت داشت. اتحاد مذهبی در عثمانی، غیر ممکن بود و تنها اتحاد زبانی می‌توانست وحدت ملی را در آنجا تأمین کند که دشواری الفبا، آن را نیز ناممکن ساخته بود. ملکم معتقد بود طوایف قفقاز، خواه مسلمان و خواه عیسوی، جزء ملت روس می‌شوند؛ چون به خاطر سهولت زبان روسی، به زودی آن را می‌آموزنند و دیگر، لزومی برای بکارگیری زبان خود نمی‌بینند (ملکم، ۱۳۸۱: ۱۱۹ - ۱۲۱؛ همان: ۴۰۲ - ۴۰۴).

از نظر خیرالدین بیگ نیز، اصلاح الفبا، زمینه استفاده همه اهالی ممالک محروم‌سنه را از آن فراهم می‌آورد و ابزاری برای اتحاد در عثمانی می‌گردید (ترقی، ۱۲۸۶: ۱۹۲/۳).

## راهکارهای تحول خط

طرفداران تحول خط، در خصوص عملیاتی کردن آن، اتفاق نظر نداشتند. برخی



خواهان تغییر خط و بعضی هم خواستار اصلاح الفبا بودند. میرزا فتحعلی آخوندزاده، بنیانگذار جنبش اصلاح خط در قرن نوزدهم، در آغاز، طرح اصلاح الفبا را دنبال می‌کرد. الفبای ابداعی او در ابتدای امر، برای اصلاح الفبای رایج بود. برای این مساله، نقطه‌ها را حذف کرد و اعراب را به داخل کلمات انتقال داد و برای آنها و حروف نقطه‌دار شکل مناسبی از حروف جایگزین نمود (Axundzade، ۲۰۰۵:۵۰-۵۱). الفبای میرزا فتحعلی با وجود این مزیتها و رفع برخی از مشکلات فنی الفبای قدیم، به خاطر تلاش او برای شباهت الفبایش به الفبای قدیم، بسیاری از کاستی‌ها را همچنان به همراه داشت. در الفبای او مثل الفبای قدیم، حروف از هم جدا نبود (همان، ۶۳:۱۳۰۳؛ مستشارالدوله، ۲-۳) و همین امر، کار چاپ را دشوار می‌کرد. میرزا فتحعلی، به تدریج، از عقیده اولیه خود مبنی بر حفظ مشابهت خط جدید با خط قدیم دست برداشت، و جدایی حروف، انتقال اعراب به داخل کلمات، حذف نقطه‌ها و از چپ نوشته شدن را برای الفبا ضروری شمرد (Axundzade، ۲۰۰۵:۱۷۲-۱۷۳، ۱۸۲:۱۷۷، ۱۸۶:۱۹۲). علاوه بر آخوندزاده، م. شوشتاری (اختر، سال هفتم، شماره ۱۲۹۸، ۹۸:۱۲۹۸)، میرزارضاخان- ترجمان اول و نایب کارپرداز خانه ایران در تفلیس - هم اعتقاد به تغییر خط داشتند. میرزا رضا خان در خط ابداعی خود همان حروف فرانسه را به کار برد و برای مشخص کردن شکل‌های مختلف حروفی مثل "ت" از یک خط افقی در بالای آنها استفاده کرد (مستشارالدوله، ۱۳۰۳:۷-۹).

adolف برژه (۱۸۲۸-۱۸۸۶) خاورشناس و قفقازشناس روسی هم از تغییر الفبا و نزدیکی آن به الفبای لاتین حمایت می‌نمود (اختر، سال ۷، شماره ۷، ۱۲۹۸:۵۸). البته، افراد دیگری نیز واژه تغییر را برای ایجاد تحول در خط به کار می‌بردند. از جمله این افراد طالب اوف بود. او با وجود صحبت از حذف نقطه‌ها و انتقال اعراب به داخل کلمات، برای رفع نواقص الفبا، از اصطلاح تغییر الفبا برای این امر استفاده می‌کرد و عقیده خود را در این مورد، واضح بیان نمی‌کرد (طالب اوف، بی‌تا: ۵۱).

محققان ترکیه از جمله «تانسل» (Tansel، ۱۹۵۳: ۲۳۰-۲۳۱) و «حلمی ضیا اولکن» (۱۹۹۹:۸۰)، علی سعایی را هم در زمرة معتقدان به تغییر خط قلمداد کرده‌اند، ولی همان طور که حسین چلیک ( Celik، ۱۹۹۴: ۶۳۸) به درستی خاطرنشان کرده است،



سعاوی خواهان تغییر خط نبود، و اصلاح الفبا را برای رفع مشکلات آن کافی می‌دانست، که به آن خواهیم پرداخت.

در مقابل اندیشمندان یاد شده، شماری از اندیشمندان دیگر یافت می‌شدند که اصلاح الفبا را بر تغییر آن ترجیح می‌دادند. ملکم می‌خواست تمام این اصلاحات را به نحوی اعمال نماید که نسل قدیم بتواند بدون صرف وقت و هزینه، الفبای جدید او را بخواند، بنابراین، الفبای او حداکثر شباهت را با الفبای موجود داشت. او در الفبای خود، حروف را از همدیگر جدا کرد و اعراب را به داخل کلمات منتقل نمود، و بدین ترتیب، برای چهل یک نشانه الفبای موجود چهل نشانه دیگر وضع نمود (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۱۴؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۰۵-۴۰۴). سعاوی<sup>۱</sup> و شیخ‌الاسلام قفقاز، با بررسی راههای مختلف برای اصلاح و تغییر خط، به این نتیجه رسیدند که ضمن حفظ الفبای قدیم و حرکات متعلق به آن، برای تسهیل در آموزش مبتدیان، حرکات دیگری ایجاد، و مثل حرکات فتحه، ضمه و کسره، در بالا و پایین حروف، به کار برده شوند (مخبر، ۱۸۶۸: ۱/۴۷؛ حسین‌زاده، ۱۲۹۷: ۵). مستشار‌الدوله نیز هر چند اصلاحاتی مانند جدایی حروف، انتقال اعراب به داخل کلمات، عدم مشابهت حروف، نبود نقطه، سهولت در چاپ و کامل بودن اعراب را ضروری می‌دانست (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۳: ۲۰-۲۲)، اما از تغییر الفبا سخنی به میان نیاورد و حتی الفبای ابداعی ملکم را به خاطر تشابه با الفبای سابق ستود (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۳۶۷-۳۶۶). طالب اوف، هر چند واژه تغییر الفبا را به کار برد، ولی حذف نقطه‌ها، انتقال اعراب به داخل کلمات و قائمه شدن زوایا را برای اصلاح الفبا بسته می‌دانست (طالب اوف، بی‌تا: ۵۱). شارل میسمر نیز، اصلاح و ترقی مسلمین را منوط به اجرای این «عمل مختصر» می‌دانست که "حروف را قدری از هم فاصله داده، و اعراب را به وسط آنها" بگذارند (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۲: ۱۷). عقیده او در مورد جدایی حروف و انتقال اعراب به داخل کلمات، برای اصلاح الفبا، مورد قبول منیف پاشا نیز بود. (مجموعه فنون، ۱۲۸۰: ۷۷-۱۴؛ نومرو ۱۴: ۷۶).

۱. مستشار‌الدوله مطالب سعاوی در مخبر را به آخوندزاده ارسال کرد و آخوندزاده نوشته‌های او را نقد نمود. به نوشته مستشار‌الدوله، سعاوی پس از خواندن انتقادات آخوندزاده به اعتقادات او در مورد خط صحه گذاشت؛ ولی، مطلبی از خود سعاوی مبنی بر تغییر عقیده او وجود ندارد. در مورد انتقادات آخوندزاده مراجعه کنید به: آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۲۴. در مورد تغییر عقیده سعاوی نیز مراجعه کنید به: همان: ۳۷۱.



## راهکارهای اجرای خط جدید

نیز، اصلاح خط را توصیه می‌کرد (اویسی، ۱۳۳۱: ۲۹) و برای این امر، حذف اصوات مشترک، جدایی حروف، انتقال اعراب به داخل کلمات و حذف نقطه‌ها را کافی می‌دانست (همان، ص ۳۳). میرزا آقاخان کرمانی، مایل به اصلاح خط با جدایی حروف و از چپ به راست‌نویسی بود (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۰۹). خیرالدین بیگ، از عثمانی، بدون ارائه توضیح، اصلاح الفبا را بر تغییر آن ترجیح می‌داد (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو ۳/۱۹).

اندیشمندانی که خواهان تحول در خط جهان اسلام بودند، در خصوص چگونگی اجرای آن، وحدت نظر نداشتند. میرزا فتحعلی آخوندزاده، در ابتدای امر، اعتقاد داشت که اصلاح الفبا «در صورتی متضمن فایده خواهد گشت که از طرف تاجدار ذیشوکت اسلام و صاحب مملکت بزرگ در باب تعلیم‌صرف همت گردد.» (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۶). او با همین اعتقاد، الفبای ابداعی خود را به مقامات ایران و عثمانی ارائه کرد و از اولیای امور ایران دعوت نمود، مجلس مشورتی «از ده دوازده نفر ارباب معرفت و کمال» در مورد الفبای او و نحوه اجرای آن تصمیم‌گیری نمایند (همان: ۶۳). ولی پس از آن که در ایران و عثمانی به نتیجه دلخواه خود نرسید، برای ترویج الفبای ابداعی خود، به اقدامات دیگری دست یازید. او در تفلیس، هشتاد نفر دانش‌آموز را با الفبای ابداعی خود آموزش داد و شوهر خواهر خود را مامور آموزش آن الفبا در آذربایجان نمود (همان: ۶۹). انصاری (انصاری، ۱۳۰۸: ۱۰) و منیف پاشا نیز به اجرای الفبا از طریق حکومت اعتقاد داشتند. منیف پاشا برای این منظور، الفبای ابداعی آخوندزاده را در «جمعیت علمیه عثمانی» مطرح کرد تا در صورت تأیید، توسط حکومت عثمانی در جامعه اجرا شود.

ملکم، از دیگر هواداران اصلاح خط، اعتقادی به دخالت حکومت در آموزش خط جدید نداشت. او می‌خواست الفبای متدالوی را طوری اصلاح نماید که فهم آن برای همه فراغیران الفبای قدیم آسان باشد و به راحتی مورد قبول آنها واقع شود. به همین خاطر، در ترویج الفبای خود نقش چندانی برای دولت قایل نبود و فکر می‌کرد مزایای این الفبا، نظیر: مقبول نسل قدیم بودن، راحتی آن در یادگیری و کمکش به ترویج علوم، آن را از مقبولیت همگانی برخوردار خواهد کرد. به اعتقاد او، در صورت نیاز خط

جدید به آموزش، «جمعیع خیالات و اهتمامات در باب اصلاح خط به هدر» (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۰۵) می‌رفت. به همین علت، در مورد اختراع خط تازه (نه اصلاح شده) می‌گوید: «اختراع خط تازه، در صورتی مفید می‌شد که دول اسلام مدت‌ها به مخارج زیاد، اطفال مدرسه را مجبور به تحصیل آن بکنند» (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۶). بنابراین، خط ملکم برای رواج «نه مدارس مخصوص لازم» داشت، «نه درس تازه، نه زور دولتی و نه فتوای امام» (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۱۴).

خیرالدین بیگ، پیشنهاد می‌کرد «کمیسیونی از اصحاب لیاقت و درایت»، برای نحوه اجرای الفبای جدید تشکیل گردد (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو ۱۹۲/۳). مستشار‌الدوله نیز، توصیه می‌کرد برای اجرایی کردن اصلاح الفبا در تهران و استانبول به عنوان پایتخت‌های بزرگ اسلامی، مجالسی تشکیل گردد و شعبه‌های آنها در شهرهای بزرگ ایجاد شوند و برای اصلاح الفبا اعانه جمع کنند. به اعتقاد او، این مجالس، باید در مورد بهترین الفبا و نحوه اجرای آنها تصمیم می‌گرفت. او نقش حکومت‌ها در این مجالس و شیوه کار آنها را مشخص نکرد (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۳: ۱۹-۲۰).

## موانع و مشکلات خط جدید

عمده‌ترین مانعی که هواداران اصلاح خط با آن مواجه بودند، مقاومت طبیعی جامعه در مقابل این تحول گستردۀ بود. تصور می‌شد جامعه مذهبی ایران و عثمانی، با برخورداری از رهبران روحانی، با اصلاح خط مخالفت کنند؛ چرا که قران مجید و دیگر کتاب‌های دینی مسلمانان در طول تاریخ اسلام، با حروف عربی تالیف شده بودند، و همین مساله، تعلق خاطر دو جامعه مسلمان را به خط عربی دو چندان می‌کرد. این امر، هواداران اصلاح خط را در مورد نحوه به کارگیری الفبای جدید و گستره کاربرد آن دچار تشتن آرا می‌کرد. عده‌ای توصیه می‌کردند، خط جدید در کنار خط قدیم به کار برده شود (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸) و متون دینی، همچنان به خط قدیم باقی بمانند و خط جدید در «فنون، اداره و تجارت، به کار گرفته شود (ترقی، ۱۲۸۶: نومرو ۱۹۲/۳)». در این مورد به سابقه تاریخی روسیه استناد می‌شد، (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸؛ ترقی، ۱۲۸۶: نومرو ۱۹۲/۳) که برای تعلیم و تربیت، خط جدیدی را به خدمت گرفت و خط سابق را به حال خود باقی گذاشت. برخی نیز، از دو الفبا برای چاپ و تحریر صحبت



می‌کردند (ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۴۳۰).

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الده سعی می‌کرد اصلاح خط را امری مطابق با دین اسلام معرفی نماید. او که جدایی حروف را «اول شرط اصلاح خط» دنیای اسلام قرار می‌دانست، اظهار می‌داشت: «جدایی حروف، اصلاح به هیچ عقیده منافقانی ندارد. کلمات بسیار در قرآن مجید به حروف مقطعه نوشته شد» است (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۲: ۱۱-۱۰). شیخ‌الاسلام قفقاز، در روزنامه اعلام کرد که با تغییر خط، فقط «اشکال نقوش حروف» تغییر می‌یابند و «الفاظ و معانی قرآن و کتاب»، تغییر نمی‌کنند (اختر، سال ۷، شماره ۵، ۱۲۹۸: ۳۶-۳۷). حاجی میرزا نجفقلی خان - سر کاتب اول و ترجمان سفارت ایران - خواست که برای ممانعت از واکنش جامعه، خط مسلمانان با عنوان «خط اسلام» خوانده نشود. طالب اوف هم می‌گفت که با ابداع خط جدید، نه تنها ضرری به اسلام نمی‌رسد، بلکه، کتاب‌های قدیمی که به اختلافات ملت‌های مسلمان ایران و عثمانی دامن می‌زدند متروک می‌مانند و با چاپ کتاب‌های مفید «اتحاد مذهب سنی و شیعی دین اسلام» فراهم می‌گردد (طالب اوف، بی‌تا: ۵۳-۵۱). غزوینی، سعی داشت تکلیف زبان و خط فارسی را به عنوان زبان علم و دانش، از زبان عربی یا همان «زبان سمیراد و نیاز و نماز» جدا کند تا احساسات مذهبی برای اصلاح خط فارسی تحریک نشود (غزوینی، ۱۲۹۹: ۱۶-۱۵).

برخی دیگر از اندیشمندان، با استناد به تغییر خط اسلام از خط کوفی به نسخ و نستعلیق - در قرن چهارم - ادعا می‌کردند که اصلاح خط، منافقانی با دین و شریعت ندارد (حسین زاده، ۱۲۹۷: ۴؛ آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۷؛ انصاری، ۱۳۰۸: ۷-۶). آنها همچنین به سابقه تاریخی تحول خط، استناد می‌کردند و تحول خط از هیروگلیفی به حروف متصل سیلابی (خط عربی) و سپس به الفابتی را در راستای تکامل خط معرفی می‌نمودند (مستشار‌الدوله، ۱۳۰۳: ۱۰-۱۲؛ حسین زاده، ۱۲۹۷: ۴-۵؛ اختر، سال ۷، شماره ۱۶، ۱۲۹۸: ۱۳۰-۱۳۱؛ اویسی، ۱۳۳۱: ۲۴-۹). مستشار‌الدوله برای رفع مخالفت احتمالی علماء، تدبیر دیگری اندیشید و در مورد ضرورت اصلاح خط از علمای اعلام استفتا نمود و علماء، عدم مخالفت شریعت با اصلاح خط را مورد تایید قرار دادند و مستشار‌الدوله فتوای حاجی میرزا نصرالله مجتهد مشهد را به عنوان خلاصه فتاوی علماء در اختر به چاپ رساند (اختر، سال ۶، ۱۲۹۷: ۱۷۶-۱۷۴).

اختراع خط جدیدف به غیر از مقاومت جامعه، مشکل دیگری نیز در مورد کتاب‌های قدیمی ایجاد می‌کرد. با ایجاد یک خط جدید، این سوال مطرح می‌شد که با کتاب‌های قدیمی موجود، که با خط سابق نوشته شده بودند، چه کار باید انجام شود. به اعتقاد برخی از هواداران اصلاح خط، این مشکل با چاپ کتاب‌های مفید قدیمی با خط جدید برطرف می‌گردید (Axundzade، ۲۰۰۵: ۵۳). میرزا ملکم خان نظام‌الدوله، باقی ماندن آثار و کتب موجود به خط قدیم را چندان مهم نمی‌دانست، و فکر می‌کرد کسانی که مایل باشند، می‌توانند رسم الخط قدیم را فرا بگیرند. در حالی که از نظر او با چاپ کتاب‌های قدیمی با رسم الخط جدید، اصلاح‌نیازی به یادگیری خط قدیم نیست (نظام‌الدوله، بی‌تا: ۱۳۸). م. شوشتري، کتاب‌های قدیمی را به دو دسته: کتاب‌های «ادیان و روحانی» و کتاب‌های علوم تقسیم می‌کرد و اعتقاد داشت که کتاب‌های نوع اول باید در دست اهلش باقی بماند و کتاب‌های نوع دوم، به خط جدید تبدیل شوند. به باور او، کتاب‌های خارج از این دو گروه «از جمله علومی هستند که موافق فرموده حضرت فخر کائنات نه از علم آنها فایده هست و نه از جهلهشان ضرر؛ چه، نه متعلق به علم ابدانند و نه به علم ادیان» (اختر، سال ۷، شماره ۱۲، ۹۸: ۱۲۹۸). شوشتري و انصاری، بلا استفاده ماندن کتاب‌های قدیمی با تغییر خط را به بلا استفاده ماندن تفکرهاي قدیمی در مقابل اسلحه‌های جدید، و بلا استفاده ماندن «اسب‌های عربی و الاغ‌های مصری» در مقابل راه آهن، تشبيه می‌نمودند، و امری کاملاً بی ارزش قلمداد می‌کردند (همانجا؛ انصاری، ۱۳۷-۱۳۸؛ همو ۱۳۰۸: ۱۷-۱۶).

### الفباهاي ابداعي

نخستين الفباي ابداعي به ميرزا فتحعلی آخوند زاده تعلق داشت که از نظر فني - به دليل اتصال حروف - خيلي زود مورد انتقاد قرار گرفت و در «جمعیت فنون علمیه عثمانیه» قابل اجرا تشخیص داده نشد. الفباي مطرح دیگر، مربوط به ميرزا ملکم خان نظام‌الدوله است. در الفباي ابداعي او اعراب، کاملاً به داخل کلمات وارد نشده، و نقطه ها باقی ماندند، و شکل‌های گوناگون يك صدا (نظير: ذ- ز- ض- ظ) که در فارسي يكسان تلفظ می‌شوند، هیچ تفاوتی نکرده بود؛ اما اين خط به دليل جدایي حروف و از بين بردن اشكال مختلف يك حرف، عمل چاپ را تسهيل می‌کرد (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۲۹۸-۱۳۷).

(۱۱۵).

القبای میرزا رضاخان و القبای که مستشارالدوله از آن به عنوان "خط اختراعی شخص عزیزی از دوستان" یاد می‌کند (مستشارالدوله، ۱۳۰۳: ۳۹) از دیگر القباهای این دوره بشمار می‌آیند. القبای میرزا رضاخان در واقع برگرفته از حروف فرانسه بود، و القبای مورد نظر مستشارالدوله، مورد توجه واقع نشد. میرزا رضاخان افشار، میرزا محمد علی خان اویسی، میرزا حسین خان دبیر یکم وزارت خارجه، میرزا کاظم خان الان براغوشی، ادیب الممالک فراهانی و انصاری نیز القباهایی را ابداع کردند (ذکاء، ۱۳۰۸: ۷۳-۶۹؛ انصاری ۱۳۰۹: ۱۷).

### ارزیابی جنبش تحول خط

در نگاهی به هواداران جنبش تحول خط، ملاحظه می‌شود که این جنبش، پس از آغاز آن در قفقاز، به ایران و عثمانی راه یافت. بیشتر هواداران اصلاح خط در سه حوزه، از بوروکرات‌های اداری بودند، اما از علماء و تجار نیز در میان آنها حضور داشتند. جنبش، در این حوزه‌ها روند متفاوتی را طی کرد. در ایران و قفقاز، تعدادی از جنبشیان خواستار تغییر خط شدند و برای این امر، القبای را هم ابداع کردند، اما در عثمانی، جنبشیان بیشتر به دنبال اصلاح خط بودند، و اندیشه آنها و اقداماتشان از توجیه ضرورت اصلاح خط فراتر نرفت. همچنین، افرادی مانند آخوندزاده و غزوینی در قفقاز و ایران، سعی کردند سرنوشت زبان و خط فارسی را از زبان و القبای عربی جدا کنند، ولی در عثمانی چنین تلاشی به عمل نیامد.

در ارزیابی کلی از افکار اندیشمندان تحول خط، باید گفت که تنها نکته مورد توافق میان آنها، لزوم تحول القبا بود. آنها همه دشواری‌های القبای عربی را قبول داشتند و به همین خاطر، تحول القبا را ضروری می‌خواندند. اما در مورد میزان و نحوه تحول، اندیشه آنها از اجرای یک اصلاح ساده، مانند اعراب‌گذاری حروف تا اصلاحات گسترده و تغییر القبا، در نوسان بود. با این که همه آنان اصلاح القبا را برای نیل به ترقی لازم می‌دانستند، ولی در مورد میزان این ارتباط اختلاف نظر داشتند. برخی ترقی را بدون اصلاح محال می‌دانستند، و بعضی، معتقد بودند که ترقی با خط دشوار هم امکان‌پذیر است (مراگه‌ای، ۱۳۶۴: ۲۹۳).

هواداران تحول خط، در قرن نوزدهم، به مشکلات بلند مدت این امر بی‌توجه بودند. یکی از عمدۀ مشکلاتی که در پی تغییر یا اصلاح خط، پدیدار می‌آمد، گستاخی فرهنگی میان نسل جدید و قدیم بود. زیرا با ظهور یک خط تازه، ارتباط نسل جدید با گذشته قطع می‌شد. حتی در رشته‌های مختلف علوم نیز که نیاز به مراجعه به کتاب‌ها و آثار قدیمی وجود داشت، ایجاد مشکل می‌کرد. در نتیجه، خط تازه، اگرچه در تعلیم و تربیت، سهولت‌هایی ایجاد می‌کرد، اما در عوض، پژوهش‌گران نسل جدید را در بهره‌برداری از میراث پیشینیان و نیز، فراگیری الفبای قدیم، با دشواری‌هایی روبرو می‌کرد. به عبارتی دیگر، نسل جدید، نه تنها خود را از فراگیری خط قدیم بی‌نیاز نمی‌یافت، بلکه مجبور به یادگیری خط جدید نیز می‌شد.

طرفداران اصلاح خط در ایران، قفقاز و عثمانی قرن نوزدهم، تصور درستی از دشواری‌ها و پیامدهای ناشی از اصلاح خط نداشتند. آخوندزاده، فکر می‌کرد تنها ضرر اصلاح و یا حتی تغییر خط، همان بلا استفاده ماندن کتاب‌های قدیمی است که به تعبیر او در قبال با سواد شدن عموم مردم، ضرری عمدۀ محسوب نمی‌شد (Axundzade، ۱۹۰۵: ۲۰۰). و حتی با ادامه حیات خط قدیم، در کنار خط جدید، و چاپ تدریجی کتاب‌های قدیمی با خط جدید، قابل جبران هم بود. ملکم هم وانمود می‌کرد این ضررها به راحتی قابل جبران است: نخست، به این دلیل که، هر کس بخواهد می‌تواند خط قدیم را یاد بگیرد و دیگر این که، با چاپ کتاب‌های قدیمی با خط جدید، نیازی به یادگیری خط قدیم نخواهد بود. این استدلال ملکم، در صورتی مقرر باشد که گذشته یک ملت فقط و فقط به کتاب‌های شناخته شده محدود باشد، حال این که جای هیچ تردیدی نیست که هر اثر مكتوب، برای شناخت گذشته انسان‌ها حائز اهمیت است. برخی از آنان، با دسته بندي غلط و بسی پایه، کتاب‌های فراوانی را در حوزه شعر، ادب، اسطوره و داستان، با عنوان غیر دینی و غیر علمی محکوم به نابودی می‌دانستند، و متروک ماندن کتاب‌هایی که به خط قدیم نوشته شده بودند، بسان متروک ماندن اسب و الاغ در مقابل راه آهن می‌شمردند و بدین وسیله، به جهل مطلق خود به علم و مساله گستاخی فرهنگی اذعان می‌نمودند.

مشکلات سیاسی اجتماعی که از دیدگاه ملکم، خیرالدین بیگ و مستشارالدوله، به



دشواری الفبا بر می‌گشت، جای بحث فراوان دارند. گزارش مستشارالدوله از سوء استفاده روس‌ها از عهدنامه گلستان، با توجه به نقص الفبا، با توسعه طلبی روس‌ها در آن زمان و قراین و شواهد تاریخی مربوط به آن مطابقت ندارد. خیرالدین بیگ و ملکم، در این مورد دچار اشتباه شده‌اند. برخلاف اظهارات ملکم و خیرالدین بیگ، فقدان وحدت ملی در عثمانی، ناشی از مشکلات الفبا نبود. اتحاد مذهبی یا اتحاد زبانی، گرچه از عوامل اتحاد ملی شمرده می‌شوند، ولی هیچ کدام به تنها یی، شرط کافی برای اتحاد ملی نیستند. بطلاً عقیده ملکم در مورد طوایف قفقاز و عدم توفیق روس‌ها در رویی کردن آنها، اکنون با ظهور جمهوری‌های تازه تأسیس یافته در این مناطق پس سقوط اتحاد جماهیر شوروی- دیگر نیازی به بحث ندارد.

مستندات تاریخی هواداران اصلاح خط نیز جای بحث دارد. آنها در مورد ضرورت اصلاح خط، به تجربه تاریخی روسیه استناد می‌کردند، ولی از تجربه تاریخی جهان اسلام و اعتلای آن در قرن‌ای چهارم و پنجم در سایه الفبای عربی، و نیز تجربه ترقی کشورهایی مانند ژاپن و چین با الفبای دشوار، غفلت می‌کردند. استنباط برخی از پژوهش‌گران مانند آدمیت و رئیس نیا در مورد قابل اعتماد نبودن پیشرفت‌های ژاپن و چین در این زمان (آدمیت، ۱۳۴۹: ۷۰؛ رئیس نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶ / ۱) استنباط درستی نیست؛ زیرا، معتبرضان اصلاح خط (روزنامه اختر، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۲۹۷: ۱۱۸) و برخی از طرفداران آن (مراغه‌ی، ۱۳۶۴: ۲۹۳) در همان زمان، از ژاپن و چین، مثال می‌زندند.

اندیشمندان اصلاح خط، در مورد نقش آموزش در جامعه نیز به خطا می‌رفتند. آنها تصور می‌کردند با اصلاح الفبا، یادگیری، از سهولت بیشتری برخوردار خواهد شد و امر آموزش، بدون نیاز به برنامه‌های دولت، در سطح جامعه، گسترش خواهد یافت. در حالی که، آنان خود شاهد تجربیات تاریخی دولت‌های اروپایی در این زمینه بودند و می‌دانستند که آموزش اجباری، پس از انقلاب کبیر فرانسه، در اعلامیه حقوق بشر، در مقدمه قانون اساسی فرانسه در سال ۱۷۸۹ م گنجانده شده بود، و با گسترش آموزش اجباری در اروپا در اواخر قرن نوزدهم و همزمان با توجه گسترده اندیشمندان مسلمان به مساله خط، شمار مدارس و معلمان در کشورهای اروپایی هر روز بیشتر می‌شد. در طول این سال‌ها تعداد دانش‌آموزان در بلژیک، فرانسه، نروژ و هلند دو برابر و در ایتالیا

پنج برابر شد (اریک هابسیام، ۱۳۸۵: ۲۳۳). همچنین، از ۱۸۷۵ تا آغاز جنگ جهانی اول، معلمان کشور فرانسه یک سوم افزایش یافت و این رقم در کشورهایی مانند انگلستان و فنلاند به هشت تا سیزده برابر رسید (همان: ۳۴۵-۳۴۴).

با توجه به این تجربیات تاریخی، امر آموزش، در زمان توجه به اصلاح خط، مورد توجه برخی از اندیشمندان جهان اسلام هم قرار گرفت. روزنامه اختر، پیش از آن که به طرفداران تحول خط جهان اسلام پیوندد، اعلام کرده بود که عقب‌ماندگی مسلمانان تنها از بابت نقص الفبا نیست، "بلکه، از نقصان علوم و فنونی است که باید با آن الفبا بیان کرده شود و از جهت بی اعتمایی دولت و ملت است به ترقی علوم و معارف در میان" مسلمانان (اختر، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۲۹۴: ۱۰۲-۱۰۰). م. افشار نیز در کتاب توصیه به اصلاح الفبا، امر آموزش را این گونه مورد توجه قرار داد: "باید اساس تعلیم و تدریس قدیم، از بیخ و بن بر هم خورده از سر نو قاعده گذاشته شود و هر طفلی خواه غنی، خواه فقیر، خواه وضعیع، خواه شریف، در آموختن خط و ربط مجبور و مکلف باشد" (اختر، سال ۷، شماره ۸، ۱۲۹۸: ۶۷).

اندیشمندان تحول خط، مانند آخوندزاده، مستشارالدوله و ملکم، از نقش آموزش و تجربیات تاریخی مربوط به آن اطلاع داشتند. آخوندزاده بر آموزش اجباری مانند اقدام "فردریخ کبیر" تاکید می‌کرد (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸). میرزا یوسف خان مستشار الدوله، مدت‌ها پیش از نگارش رساله اصلاح خط، در رساله «یک کلمه» که ترجمه و انتباسی از اعلامیه حقوق بشر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اول فرانسه بود، به لزوم سیستم منظم آموزش تاکید کرده بود (مستشارالدوله، ۱۳۶۴: ۴۹)، و ملکم، در رساله دفتر تنظیمات یا کتابچه غیبی، به مساله آموزش همگانی و لزوم مدارس گوناگون و وظایف وزارت علوم در این مورد پرداخته بود (ناظم الدوله، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۴). آنها، علی‌رغم این آگاهی‌ها، به جای تاکید بر آموزش برای ترویج علم و تعمیم سواد آموزی، بر پیوند میان آموزش و خط اصرار می‌کردند. انصاری ثواب اصلاح خط را از ساخت «عمارت و بنای مساجد و مدارس» بیشتر می‌دانست (انصاری، ۱۳۰۸: ۱۰). مستشارالدوله نیز، در «رساله در وجوب اصلاح خط اسلام»، از اصلاح الفبا برای تسهیل آموزش و تربیت ملت به شدت دفاع می‌کرد، و ملکم، برای همگانی شدن آموزش و



### نتیجه

آنچه معتقدان به تحول خط را به تغییر یا اصلاح الفبا مقاعده ساخته بود، ارتباط الفبا با عقب ماندگی جهان اسلام و لزوم تغییر یا اصلاح آن بود. آنها بی‌سوادی مردم و فraigیر نشدن علم و دانش در سرزمین‌های اسلامی و بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی دیگر را ناشی از دشواری الفبا جهان اسلام می‌دانستند و فکر می‌کردند که با تغییر یا اصلاح الفبا، علم و دانش فraigir می‌شود و بدین‌وسیله مشکلات جهان اسلام برای نیل به ترقی حل می‌گردد.

با وجود تأکیدی که بر لزوم تحول خط می‌رفت، در مورد چگونگی تغییر و یا میزان اصلاح آن، وحدت نظر وجود نداشت. با این حال، غفلت از مشکلات و پیامدهای فراوان تغییر خط، در میان آنان همگانی بود. هر چند هواداران تحول خط، در مورد وجود مشکلاتی در الفبا جهان اسلام و لزوم فraigir شدن علم و دانش- در جهت رسیدن به ترقی- محق بودند، ولی اصرارشان بر ضرورت اصلاح خط، برای سامان دهی مشکلات سیاسی، اجتماعی، آموزشی و... از غفلت آنان از مشکلات اساسی آن

ترویج علوم، الفبای ابداعی خود را کافی می‌شمرد. او برای ترویج الفبای خود نیازی به سرمایه‌گذاری دولت نمی‌دید و معتقد بود که مزایای الفبایش، موجب اقبال همگانی به آن خواهد شد و زمینه را برای ترویج علوم و تربیت ملت فراهم خواهد کرد..

عقیده طرفداران تحول خط، با یافته‌های علم زبان شناسی نیز منافات داشت. از نظر زبان شناسان، زبان از نظام پویایی برخوردار است و در هر زمان، با توجه به این پویایی، دچار تحول می‌شود (Fromkin, ۲۰۰۳:۵۶۴). این مساله ایجاب می‌کند که خط از ثبات برخوردار باشد تا با تحول زبان، ارتباط با گذشته همواره حفظ گردد. به باور هواداران تحول خط، با تغییر یا اصلاح الفبا، خط قابلیت پیدا می‌کرد که واژه‌ها را به همان شکلی که خوانده می‌شوند ثبت نماید و خواندن و نوشتن را سهول‌تر گرداند؛ در حالی که، پویایی زبان موجب می‌شود هر الفبایی، به تدریج، برای ثبت تحولات زبان دچار نقص گردد. اگر بنا باشد خط برای ثبت تحولات زبان دچار تحول گردد، باید در هر دوره تاریخی الفبای مخصوص آن دوره پدید آید، حال این که، رسالت خط، ثبت یافته‌های بشریت به عنوان گنجینه‌ای برای استفاده نسل هاست و تغییر و تحول آن موجب گستاخ نسل های مختلف از همدیگر در طول تاریخ می‌شود.

حکایت می‌کرد. بیشتر طرفداران اصلاح خط، با وجود صحبت از شباهت الفبای ابداعی خود با الفبای موجود، از ضرورت تبدیل کتاب‌های قدیمی به خط جدید نیز سخن به میان می‌آوردند. حتی فردی مثل شیخ‌الاسلام قفقاز که اصلاحات محدودی را مطرح می‌کرد، در حمایت از الفبای ابداعی میرزا رضاخان ارفع، برای تغییر خط اظهار داشت که با تغییر شکل حروف، محتوای کتاب‌های دینی تغییر پیدا نمی‌کند. این مسایل نشان می‌دهد که اعتقاد آنها به لزوم شباهت الفبای جدید به الفبای مورد استفاده، نه از اعتقادشان به مشکلات بلند مدت تغییر خط - مانند گستاخی - بلکه از ترس آنان از مقاومت جامعه، نشات می‌گرفت.

آنان برای نشان دادن ارتباط میان ترقی و تحول خط، و بی‌توجهی کامل به نقش کلیدی دولت‌ها در امر آموزش، به تجربه تاریخی روسیه در تغییر خط، متمسک می‌شدند. در حالی که مخالفان و برخی از طرفداران اصلاح خط مانند م. افشار و مراغه‌ای با واقع بینی به این مقوله‌ها اشاره می‌کردند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که جنبشیان، با تصور غلط از همگانی شدن علم و دانش، بی‌توجهی به نقش کلیدی دولت‌ها در آموزش، عدم توجه به تجربیات تاریخی کشورهای مترقی و در حال ترقی، تحلیل غلط از روند ترقی در کشورهایی همچون روسیه و بی‌توجهی به یافته‌های علم زبان‌شناسی در مورد رسالت خط، به ارتباط آموزش و ترقی با خط اصرار می‌کردند؛ در حالی که، در همان زمان دلایل فراوانی مبنی بر بطلان عقایدشان وجود داشت.



## کتاب‌نامه

### الف. منابع فارسی

- ۱- اختر، سال ۷، شماره ۵، ۱۹ صفر ۱۲۹۸
۲. ----، سال ۱۲، شماره ۲۷، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۰۳:
۳. ----، سال ۳، شماره ۱۷، ۱۹ ربیع الاول ۱۲۹۴
۴. ----، سال ۵، شماره ۳۷، ۲۳ رمضان ۱۲۹۶
۵. ----، سال ۶، شماره ۲۲، ۳ جمادی الآخری ۱۲۹۷
۶. ----، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۰ جمادی الآخر ۱۲۹۷
۷. ----، سال ۷، شماره ۱۲، ۸ ربیع الآخر ۱۲۹۸
۸. ----، سال ۷، شماره ۱۶، ۷ جمادی الاولی ۱۲۹۸
۹. ----، سال ۷، شماره ۶، ۲۶ صفر ۱۲۹۸
۱۰. ----، سال ۷، شماره ۷، ۳ ربیع الاول ۱۲۹۸
۱۱. ----، سال ۷، شماره ۸، ۱۰ ربیع الاول ۱۲۹۸
۱۲. ----، سال ۷، شماره ۶، ۲۶ صفر ۱۲۹۸
۱۳. آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۷)، *الفبای جدید و مکتوبات*، به کوشش حمید محمدزاده، تبریز، چاپ مهر.
۱۴. آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران، خوارزمی.
۱۵. -----(۱۳۵۷ش)، *اندیشه‌های میرزا آقاخان* کرمانی، تهران، انتشارات پیام.
۱۶. -----(بی‌تا)، *اندیشه‌های طالبوف تبریزی*، بی‌جا، دماوند.
۱۷. اصیل، حجت‌الله (۱۳۷۶ش)، *زنگی و اندیشه میرزا ملک‌خان نظام‌الدوله*، تهران، نشر نی.
۱۸. انصاری، حاجی میرزا حسین خان (۱۲۹۸ق)، *تنبیه الصبيان*، استانبول، مطبوعه اختر.

۱۹. انصاری، حاجی میرزا حسین خان (۱۳۰۸ق)، نمونه افکار خط دانش و انسانیت، بمبئی، انجمن دانش.
۱۹. اویسی، میرزا علیمحمد خان (۱۳۳۱ق) الفبای خط نو برای نو آموزان پا رسی، اسلامبول، چاپخانه شمس.
۲۰. حسنی، عطاءالله (۱۳۸۴)، «رابطه جنبش اصلاح خط با زمینه‌های فکری مشروطیت در ایران»، مجموعه مقالات همايش بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت الله محمد کاظم خراسانی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲۱. ذکاء، یحیی (۱۳۳۹ش)، در پیرامون تغییر خط فارسی، تهران، چاپخانه نقش جهان.
۲۲. رئیس‌نیا رحیم (۱۳۷۴)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، جلد ۱، تبریز، ستوده.
۲۳. رساله‌های میرزا ملکم خان الدهله (۱۳۸۱)، گردآوری رسائل ملکم (بی‌تا)، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌نا.
۲۴. طالبوف، عبدالرحیم (بی‌تا)، مسالک المحسنین، به همت محمد رمضانی. بی‌جا، چاپخانه خاور.
۲۵. غزوینی، میرزا رضا خان افشار بکشلو (۱۲۹۹ق)، الفبای بهروزی، استانبول، دادستان ایران.
۲۶. الگار، حامد (۱۳۶۹)، میرزا ملکم خان، ترجمه متن جهانگیر عظیما و ترجمه حواشی مجید تفرشی، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری انتشارات مدرس.
۲۷. مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۶۴)، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، تهران، نشر اسفار.
۲۸. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۶۴)، یک کلمه، به کوشش صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۹. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۰۳ق)، رساله در وجوب اصلاح



### خط اسلام، چاپ سنگی، بی جا: بی نا

۳۰. ناطق، هما (۱۳۶۷/۱۹۸۸)، «روزنامه قانون پیش درآمد حکومت اسلامی»، دبیره، سال چهارم، شماره ۴-۳.
۳۱. ناظم‌الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۰۲ق)، «بیان»، مندرج در گلستان سعدی، چاپ ملکم، لندن، مطبعه ترقی.
۳۲. نورائی، فرشته (۱۳۵۲)، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان نظام‌الدوله، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۳۳. هابسبام، اریک (۱۳۸۵ش)، عصر امپراتوری، ترجمه ناهید فروغیان، تهران، نشر اختزان.

### ب. منابع ترکی عثمانی

- ۱.. ترقی، ۲۷ جمادی الاولی ۱۲۸۶ق.
۲. ----، نومرو ۱۹۲، ۲۱ ربیع الآخر ۱۲۸۶.
۳. ----، نومرو ۲۰۹، ۱۶ جمادی الاولی ۱۲۸۶.
۴. کمال، نامق (۱۳۱۱ق)، «اصول تحصیلیک اصلاحنہ دائربند مخصوص»، منتخبات تصویر افکار، قسطنطینیه، مطبعه ابوالضیا.
۵. مجموعه فنون، نومرو ۱۴، صفر ۱۲۸۰.
۶. مخبر، نومرو ۴۷، ۳۱ آگوست ۱۸۶۸.

### ج. منابع ترکی آذربایجانی

۱. گلستان سعدی، گلستان سعدی، (۲۰۰۵)، ۲cild، Bakı، ŞErq - QErb.
۲. گلستان سعدی، (۲۰۰۵)، گلستان سعدی، گلستان سعدی.

### د. منابع ترکی جدید

۳. گلستان سعدی، گلستان سعدی، (۱۹۹۴) گلستان سعدی، گلستان سعدی، گلستان سعدی Yayinlari.
۴. گلستان سعدی، گلستان سعدی، (۲۰۰۵) گلستان ۱۸، گلستان سعدی، گلستان سعدی Diyanet vakfi.
۵. گلستان سعدی، گلستان سعدی، (۱۹۵۳) گلستان سعدی، گلستان سعدی ve değiştirilmesi hakkında İlk teşebüsler ve neitceleri (1862-



- ۱۸۸۴)م، مکتبه علی، مکتبه علی، مکتبه ۶۵- ۶۸.
۶. مکتبه علی، مکتبه علی، (۲۰۰۴)، “مکتبه علی و مکتبه علی”， مکتبه علی  
Üniversitesi Türk İnkılâp Tarihi Enstitüsü Atatürk Yolu Dergisi، S  
۳۳-۳۴، مکتبه علی-مکتبه علی ۲۰۰۴.
۷. مکتبه علی، مکتبه علی، (۱۹۹۹) مکتبه علی مکتبه علی مکتبه علی،  
Istanbul, Ulken Yayınlari; ۱۹۹۹.

#### هـ . منابع انگلیسی

۱. مکتبه علی، ب. ، مکتبه علی، ب. ب مکتبه علی، ب. (۲۰۰۳) An introduction to  
language (7th ed.), Botstom, MA, Heinle.